



چرا فلسطین که پاره ی تن جهان اسلام است نتواند بار دیگر هویت اسلامی و عربی خود را بازیابد؟ و چرا جوانان فلسطینی که در شمار باهوش ترین و مقاومترین جوانان عربند نتوانند اراده خود را بر این واقعیت ظالمانه فائق گردانند؟

مغالطه بزرگ دیگر آن است که گفته شود تنها راه نجات ملت فلسطین، مذاکره است! مذاکره با چه کسی؟ با رژیم غاصب و زورگو و گمراهی که جز به زور، به هیچ اصل دیگری معتقد نیست؟ آنان که به این بازیچه و فریب خود را دلخوش کردند چه به دست آوردند. آنچه آنها به عنوان حکومت خودگردان از صهیونیست ها گرفتند، با صرفنظر از ماهیت تحقیرآمیز و اهانت بار آن، اولاً با هزینه سنگین اعتراف به مالکیت رژیم غاصب بر تقریباً سراسر فلسطین تمام شد، ثانیاً همان حکومت نیم بند و دروغین را هم با بهانه های واهی در مواردی زیر پای خود لگد کوب کردند؛ محاصره یاسر عرفات در ساختمان مدیریتش در رام الله و انواع تحقیر و تذلیل او حادثه ای نیست که فراموش شود.

ثالثاً: چه در زمان عرفات و چه بویژه پس از او با مسئولان حکومت خودگردان مانند رؤسای کلانتری های خود رفتار کردند که وظیفه شان تعقیب و دستگیری مجاهدان فلسطینی و محاصره اطلاعاتی و پلیسی آنهاست، و بدین صورت تخم کینه را در میانه گروه های فلسطینی پاشیدند و آنها را به جان یکدیگر انداختند.

و رابعاً: همان اندازه دستاورد ضعیف هم فقط به برکت جهاد مجاهدان و مقاومت غیور مردان و زنان تسلیم ناپذیر بود. اگر انتقاصه ها رخ نمیداد صهیونیست ها با وجود تنازل بی درپی رؤسای سنتی فلسطین در برابر آنها، همین اندازه را هم هرگز به آنان نمی دادند.

یا مذاکره با امریکا و انگلیس که بزرگترین گناه را در ایجاد و حمایت از این غده سرطانی مرتکب شده اند؟ و خود پیش از آنکه میانجی باشند طرف دعوایند؟ دولت امریکا هیچگاه حمایت بی قید و شرط خود از رژیم صهیونیست و حتی از جنایت های آشکار آن از قبیل ماجرای اخیر غزه را متوقف نکرده است.

حتی رئیس جمهور جدید امریکا هم که با شعار تغییر در سیاست های دولت بوش بر سر کار آمده است، از تعهد بی قید و شرط به امنیت اسرائیل دم می زند، یعنی دفاع از تروریسم دولتی، دفاع از ظلم و زورگویی، دفاع از قتل عام صدها مرد و زن و کودک فلسطینی در 22 روز، این یعنی همان کژراهه دوران بوش و نه چیزی کمتر.

مذاکره با مجامع وابسته به سازمان ملل هم یک رویکرد عقیم دیگر است. سازمان ملل شاید در کمتر نمونه ای همچون مسئله ی فلسطین، مورد آزمون افشاگر و رسواکننده قرار گرفته باشد.

شورای امنیت، یک روز اشغال فلسطین به وسیله گروه های تروریست جزار را سریعاً به رسمیت شناخت و نقشی اساسی را در پیدایش و تداوم این ظلم تاریخی بازی کرد، و پس از آن چندین دهه همواره در برابر نسل کشی ها، آواره سازیها، جنایت های جنگی و انواع جرایم گوناگون دیگر آن رژیم، سکوت رضایت آمیز کرد، و حتی هنگامی که مجمع عمومی رأی به نژادپرست بودن صهیونیسم داد، نه تنها با آن همراهی نکرد، که در عمل 180 درجه با آن فاصله گرفت. کشورهای زورگویی عالم که برخوردار از عضویت دائم در شورای امنیت اند از این مجمع جهانی همچون ابزار استفاده میکنند.

نتیجه آنکه نه تنها این شورا به کار امنیت در جهان کمکی نمی کند بلکه هرجا که قرار است مفاهیمی همچون حقوق بشر یا دموکراسی و امثال آن، وسیله زیاده طلبی و سلطه بیشتر آنان گردد، به کمک ایشان می شتابد و بر کارهای نامشروع آنان پوششی از فریب و دروغ می افکند.

نجات فلسطین با دربروزگی از سازمان ملل یا از قدرت های مسلط و به طریق اولی از رژیم غاصب به دست نمی آید، راه نجات فقط ایستادگی و مقاومت است، با توحید کلمه فلسطینیان و کلمه توحید که ذخیره بی پایان حرکت جهادی است.

ارکان این مقاومت، از سویی گروه های مجاهد فلسطینی و آحاد مردم مؤمن و مقاوم فلسطین در داخل و خارج آن کشورند؛ و از سویی دیگر، دولت ها و ملت های مسلمان در سراسر جهان، بویژه عالمان دینی و روشنفکران و نخبگان سیاسی و دانشگاهیان. اگر این دو رکن مستحکم در جای خود قرار گیرند، بی شک وجدان های بیدار و دلها و اندیشه هایی که افسون تبلیغات امپراتوری خبری استکبار و صهیونیسم، آنها را مسخ کرده، در هر نقطه عالم به یاری ذی حق و مظلوم خواهند شتافت و دستگاه استکبار را در برابر طوفانی از اندیشه و احساس و عمل قرار خواهند داد.

نمونه این حقیقت را طی روزهای اخیر مقاومت پرشکوه غزه همه دیدیم. گریه رئیس غربی یک سازمان خدماتی بین المللی در برابر دوربین رسانه ها، اظهارات همدردانه فعالان سازمان های بشردوستانه، تظاهرات بزرگ و صمیمی مردم در قلب پایتخت های اروپایی و شهرهای امریکا، اقدام شجاعانه رؤسای چنددولت در امریکای لاتین، همه و همه نشانه ی آن است که دنیای غیرمسلمان نیز هنوز به دست نیروهای شرافرین و فسادآفرین - که نام قرآنی آنها شیطان است - به طور کامل تسخیر نشده و هنوز میدان برای جولان حقیقت، باز است.

آری، مقاومت و صبر مجاهدان و مردم فلسطین و حمایت و کمک همه جانبه به آنان از سراسر کشورهای اسلامی خواهد توانست طلسم شیطانی غصب فلسطین را بشکند. انرژی عظیم امت اسلامی میتواند مشکلات جهان اسلام و از جمله، مشکل حاد و فوری فلسطین را حل کند.

اکنون خطاب من به شما برادران و خواهران مسلمان است در سراسر جهان و نیز به همه وجدان های بیدار از هر کشور و ملت همت کنید و طلسم مصونیت جنایتکاران صهیونیست را بشکنید. سران سیاسی و نظامی رژیم غاصب را که در فاجعه غزه نقش آفرین بودند به پای میز محاکمه بکشانید و به مجازاتی که عدل و عقل حکم می کند برسانید. این اولین قدمی است که باید برداشته شود. سران سیاسی و نظامی رژیم غاصب باید محاکمه شوند. اگر جنایتکار مجازات شود، راه جنایت برای آنان که انگیزه و جنون آن را دارند ناهموار خواهد شد. آزاد گذاشتن عاملان جنایت های بزرگ، خود عامل و مشوق جنایت های دیگر است. اگر امت اسلامی پس از جنگ 33 روزه لبنان و آن فاجعه آفرینی های دهشتناک، مجازات صهیونیست های فاجعه آفرین را بجدّ مطالبه می کرد، اگر این مطالبه بحق پس از به خاک و خون کشیدن کاروان های عروسی در افغانستان و پس از جنایات بلک واتر در عراق و پس از رسوایی های سربازان آمریکایی در ابوغریب و غیر آن صورت می گرفت، امروز ما شاهد کربلای غزه نمی بودیم.

ما دولت ها و ملت های مسلمان در آن قضایا وظیفه ای را که قانون عقل و عدل بدان حکم می کرد انجام ندادیم و نتیجه آن چیزی است که امروز شاهد آنیم. جای تأسف عمیق است که برخی از دولت ها و سیاستمداران جهانی، از مقولات اخلاقی و قضاوت وجدانی بشری، سخت بیگانه اند. برای آنها قتل عام بیش از 1350 نفر و زخمی کردن حدود 5500 نفر مردم بی سلاح و بسیاری کودک در ظرف 22 روز در غزه، هیچ حساسیتی برنمی انگیزد؛ قاتلان و مجرمان نه تنها مجازات نمی شوند، که پاداش هم می گیرند.

امنیت رژیم سفاک یک امر قدسی که باید در هر حال از آن دفاع کرد به شمار می آید و طرف مظلوم، چه دولتی که با رأی قاطع مردم بر سر کار آمده و چه مردمی که آن دولت را بر سر کار آورده اند، متهم و محکوم می شوند. این است حکم دیوان سیاستی که با اخلاق و وجدان و فضیلت، نسبتی ندارد و آتش با آن به یک جو نمی رود. این دولت ها هنگامی که نفرت عمیق افکار عمومی را از خود مشاهده می کنند، بی آنکه علت آشکار آن را ببینند، به سراغ باز هم سیاست ورزی می روند و این چرخه معیوب همچنان ادامه می یابد.

برادران و خواهران عزیز در همه ی جهان اسلام! از تجربه ها درس بگیریم.

امت بزرگ ما امروز به برکت بیداری اسلامی، دارای قدرت عظیمی است. کلید حل مشکلات فراوان کشورهای اسلامی، در دست همت و یکپارچگی این مجموعه شگرف است، و مسئله فلسطین، فوری ترین مسئله جهان اسلام است.

گاهی شنیده می شود که کسانی می گویند: فلسطین يك مسئله عربی است. این سخن به چه معنی است؟ اگر مقصود آن است که عرب، احساسات خویشاوندانه تری دارد و مایل است خدمت و مجاهدت بیشتری تقدیم کند، این چیز پسندیده ای است و ما به آن تبریک می گوئیم. ولی اگر معنی این سخن آن است که سران برخی کشورهای عربی به ندای یا للمسلمین مردم فلسطین کمترین توجهی نکنند و در قضیه مهمی مانند فاجعه غزه با دشمن غاصب و ظالم همکاری کنند و بر سر دیگران که ندای وظیفه، آرامشان نمی گذارد فریاد بکشند که شما چرا به غزه کمک می کنید.

در این صورت هیچ مسلمانی و هیچ عربی غیور و با وجدانی این سخن را نمی پذیرد و گوینده آن را از سرزنش و تقییح معاف نمی سازد. این همان منطق اخزم است که پدر خود را کتک می زد و اگر کسی دخالت می کرد بر سر او فریاد می کشید؛ پس از او هم پسرش آن پدر بزرگ را به باد مشت و کتک می گرفت و این در زبان عربی مثل شد که: انّ بَنَى رملونی بالدم شینشینه اعرقها من اخزم

کمک همه جانبه به مردم فلسطین و حمایت کامل از آنان واجب کفایی بر همه مسلمانان است. دولت هایی که به جمهوری اسلامی ایران و برخی دیگر از کشورهای مسلمان به خاطر کمک به فلسطین خرده میگیرند، خود متحمل این کمک و حمایت شوند تا تکلیف اسلامی از دیگران ساقط شود، و اگر همت و توان و شجاعت آن را ندارند، بهتر است به جای خرده گیری و کارشکنی، قدرشناس اقدامات مسئولانه و شجاعانه دیگران باشند.

حاضر محترم شما که در این گردهمایی حضور یافته اید، در مسئله ی فلسطین صاحب نظر و اندیشه ورید. وظیفه ی تاریخی امروز ما تکرار سخنان و تئوریهای ناتوان گذشته نیست، بلکه ارائه ی راهکاری است که فلسطین را از زیر ستم رژیم صهیونیستی آزاد کند. پیشنهاد ما يك راهکار کاملاً منطبق بر مردمسالاری است که میتواند منطق مشترك همه ی افکار جهانی باشد. آن پیشنهاد این است که همه ی صاحبان حق در سرزمین فلسطین اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی در يك همه پرسی، ساختار نظام خود را انتخاب کنند و همه ی فلسطینی هائی که سالها مشقت آوارگی را تحمل کرده اند نیز در این همه پرسی شرکت کنند.

دنیای غرب باید بداند که نپذیرفتن این راه حل نشانه ی پایبند نبودن به دموکراسی است که پیوسته از آن دم میزنند و این آزمون افشاگر دیگری بر علیه آنان خواهد شد.

آزمون قبلی آنان نیز در فلسطین بود که نتیجه ی انتخابات کرانه ی باختری و غزه را که روی کارآمدن دولت حماس بود نخواستند بپذیرند. کسانی که دموکراسی را تا جایی می پذیرند که نتایج آن مطلوب آنان باشد، جنگ طلب و ماجراجویند و اگر از صلح دم میزنند جز دروغ و فریب نیست.

اکنون مسأله ی بازسازی غزه یکی از فوری ترین مسائل فلسطین است، دولت حماس که منتخب اکثریت قاطع فلسطینیان است و حماسه ی مقاومتش در ناکام گذاشتن رژیم صهیونیستی، درخشانترین نقطه در تاریخ صد ساله ی اخیر فلسطین است، باید مرکز همه ی فعالیتهای مربوط به بازسازی قرار گیرد. شایسته است که برادران مصری راه کمک ها را باز کنند و بگذارند که کشورها و ملت های مسلمان به وظیفه ی خود در این مهم عمل کنند.

در پایان یاد شهیدان جنگ 22 روزه را که با خون خود غزه ی فلسطین را به عزت اسلام و عرب مبدل کردند گرامی میدارم و برای آنان طلب مغفرت و رحمت میکنم. و نیز به همه ی شهیدان فلسطین و لبنان و عراق و افغانستان و همه ی شهیدان اسلام و به روح مطهر امام راحل عظیم الشان درود میفرستم.

از خداوند متعال عزت اسلام و مسلمین و نزدیکی هر چه بیشتر ملت های مسلمان به یکدیگر و بیداری روزافزون دنیای اسلام را مسألت میکنم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

انتهای پیام/